



گفت‌وگو با رابرت زمه‌کیس

فیلمنامه‌نویس و کارگردان «سرود کریسمس»

سینمای دیجیتال یک آزادی است



سرود کریسمس فیلم جدید رابرت زمه‌کیس اقتباسی از رمان معروف چارلز دیکنز است. این فیلم تلفیق تصاویر زنده و رایانه‌ای است و با استفاده از تکنیک پرفورمنس-کیچر ساخته شده که زمه‌کیس پیش از این در دو فیلم **قطار سریع‌السیر قطبی** و **بنوولف** به کار برده است. او در این گفت‌وگو درباره دشواری‌های برگردان سینمایی کتاب دیکنز، استفاده از تکنیک پرفورمنس-کیچر و دلیل علاقه‌اش به این فرم هنری صحبت کرده است.

تصور می‌کنید به خاطر امکانات تکنولوژی جدید است که ما بالاخره توانستیم اقتباسی پرشور از داستان دیکنز را ببینیم؟

تصور می‌کنم همین طور است. قطعاً تحت‌تأثیر این ایده بودم. تصور می‌کنم این یکی از چیزهایی بود که وقتی داستان را خواندم، برایم بسیار جالب بود. **سرود کریسمس** را وقتی خواندم که خیلی کوچک بودم و بیشتر نسخه‌هایی را که تاکنون از روی این داستان ساخته شده دیده‌ام. اعتقاد دارم بیشتر آنها نوعی تصویرپردازی توصیفی از نوشته‌های آقای دیکنز هستند و هیچ‌گاه واقعاً تجسم آن چیزی نیستند که به عقیده من او در ذهن داشته است. ما هیچ‌گاه آزاری که بتواند اجرایی وسیع یا چشم‌اندازی از داستان او باشد، نداشتیم، اما اکنون این امکان را در اختیار داریم.

اولین بار که تصمیم گرفتید داستان کلاسیک دیکنز را در سینما ترسیم کنید، چه چیز در ذهن داشتید؟

ایده اصلی من این بود که تا حد امکان به کتاب اصلی و لحن آن وفادار باشم. در ابتدا ترسناک‌ترین جنبه کار اقتباس دیالوگ‌ها بود که البته در نهایت بامزه‌ترین جنبه کار شد. همین که درگیر کار شدم، غرق شدن در شیوای که شخصیت‌ها در آن مقطع تاریخی حرف می‌زنند، فوق‌العاده بود. در نهایت باید اساس دیالوگ‌ها را حفظ و آن را کوتاه می‌کردیم. شخصیت‌ها دیگر چهار، پنج یا شش جمله حرف نمی‌زنند و بنابراین این کلید کار بود. با این حال می‌خواستیم واقعاً و تا حد امکان به داستان اصلی وفادار بمانیم. فکر نمی‌کنید این نسخه می‌تواند در بعضی قسمت‌ها کمی بیش از حد برای بچه‌ها ترسناک باشد؟

تصور نمی‌کنم بچه‌ها خیلی با فیلم مشکل داشته باشند. در مجموع فکر نمی‌کنم بتوان کاری کرد. به نظرم جنایت بزرگی است که تنها به این خاطر که ممکن است یک بچه یک جایی بترسد، روال کار را تغییر بدهیم. یکی از هم‌کلاسی‌های پسر من در کلاس اول واقعاً از پرده سینما می‌ترسید، بی‌آن که از آن چیزی پخش شود. به هر حال باید بچه خود را بشناسید و او را راهنمایی کنید. **سرود کریسمس** داستانی درباره ارواح است، اما احساس می‌کنم اگر یک بچه بتواند به لحاظ ذهنی آن را درک کند، به لحاظ احساسی با آن مشکل نخواهد داشت.

البته به نظر من تصاویر ارواح در فیلم خیلی هم ترسناک نیست. به نظرم تماشاگر بیشتر به ابزار دراماتیکی که برای بیان داستان‌ها به کار برده‌ایم واکنش نشان می‌دهد. به عبارت دیگر شما نسبت به تنش و تعلیق واکنش نشان می‌دهید. آقای دیکنز داستان را به این شکل نوشته است. احساس کردم باید شیوه او در توصیف اسکروچ و آن حس وحشت و نابودی را روی پرده سینما تصویر کنم. بنابراین آن چه واقعاً ترسناک است، نه تصاویر، بلکه تنش دراماتیک است. به نظرم برای بچه‌ها خوب است در معرض این تمهیدات ادبی قرار بگیرند.

آن چه در فیلم شما می‌بینیم، تا حد زیادی شبیه طراحی‌های به کار رفته در رمان دیکنز است. سعی کردید تا حد امکان به طراحی‌های اولیه نزدیک باشید؟

اگر منظورتان طراحی‌های اولیه جان لیچ است، باید بگویم بله. ما کار را از آنجا آغاز کردیم و در واقع مبنای ما همین بود. می‌خواستیم به آن طراحی‌ها وفادار باشیم بی‌آن که دقیقاً از روی آنها کپی کرده باشیم.

کار کردن با جیم کری در نقش‌های مختلف چطور بود؟

این استعداد و نبوغ واقعی جیم کری را نشان می‌دهد. هیچ‌گاه این موقعیت پیش نیامده بود که او این چنین در یک شخصیت غرق شود. او هر روز و هر ۱۰ یا ۲۰ دقیقه یک بار با لهجه‌های مختلف حرف می‌زد و هیچ وقت خسته نمی‌شد. کار او واقعاً حیرت‌انگیز بود.

چرا تا این حد از حضور آندرا بوچلی در پروژه هیچ‌جان‌زده بودید؟ (او آهنگ پایانی فیلم را می‌خواند.)

وقتی او تصمیم گرفت برای فیلم ما بخواند، واقعاً هیچ‌جان‌زده شده بودیم، برای این که احساس کردیم ترانه او به پایان فیلم وزن می‌دهد. ترانه او تلفیقی بسیار خوب از احساساتی بود که برای پایان فیلم در نظر داشتیم.

تکنیک پرفورمنس-کیچر از حدود ۲۰ سال پیش که چه کسی برای راجر رابیت پاپوش دوخت؟ را ساختید تاکنون چقدر پیشرفت کرده است؟

آن چه بیش از همه در مورد سینمای دیجیتال دوست دارم، این است که تنها محدوده شما در استفاده از تکنیک‌های سینمایی تخیلات شماسمت و قوانین فیزیکی طبیعت مانعی در برابر کارتان نیست. لازم نیست به این فکر کنید که چطور می‌توانید یک دوربین ۵۰ پوندی را در فضا حرکت بدهید یا نگران سایه و طنابها باشید. سینمای دیجیتال برای من یک آزادی است و به همین دلیل به آن علاقه دارم. با آن کنترل سینما را در اختیار دارم. لازم نیست برای گرفتن یک نمای خاص بازیگران را به انجام کارهای عجیب و غریب وادار کنم.

منبع: ایندی‌لاندن.کام